

انگیزه تجا وز شا نزده سال قبل ایالات متحده امریکا

بالای افغانستان و تدوام اشغال

قسمت سوم و آخرین

3 - دلایل یورش و تجا وز امریکا بالای افغانستان : ما همگی باهم باید هم نظر باشیم

که نظام سرمایه داری از نظر سرشت ذاتی خود در پی بدست آوردن سوداست و آن بدین مفهوم که بدون بهره و سود اصلاً نمیتوان نظام سرمایه داری را توصیف و تعریف کرد بویژه که جهان سرمایه داری در مرحله ای انحصاری خود درصد آن میباید شد تا در هر گوشه و کنار جهان برای فروش کالا و امتعه که با استثمار بیرحمانه از طبقه کارگر بدست آورده است بازارها را به تصرف خود در آورد و بخاطر چرخش ماشین بهره کشی خود خواهان دسترسی به منابع و ذخایر طبیعی و دست نخورده در جهان میباید شد و برای این کار در تحت نام «کمک نظامی بشرخواهان» رژیم های طرفدار خود را در کشورهای دارای منابع طبیعی بقدرت میرساند تا به کمک حامیان خود به منابع و بازار آزاد فروش امتعه خود تسلط داشته باشد که افغانستان نیز یکی از آن کشورهای دارای منابع طبیعی و منطقه جیوستراتژیکی میباشد که مورد تجاوز ایالات متحده امریکا قرار گرفت . لذا میخواهم در اینجا بالای مطالب ذیل مکتب نمایم یعنی مطالبی که تفسیر از دلایل تجاوز امریکا را بالای افغانستان اشکار میسازد .

* ذخایر و منابع طبیعی افغانستان .

* افغانستان بعنوان کلید فتح آسیای میانه .

* تجاوز امریکا بالای افغانستان بخاطر جلوگیری از پیشرفت سریع

چین در منطقه .

* ایجاد پایگاه نظامی در افغانستان بخاطر نظارت بر ایران - روسیه -

چین - پاکستان و هندوستان .

* پروژه خط لوله گاز (TAPI)

*** ذخایر و منابع طبیعی افغانستان:** اکنون روشن شده است که یک گروه از زمین شناسان امریکایی بعد از مطالعه منابع طبیعی افغانستان که توسط جیولوژیست ها اتحاد شوروی قبلاً صورت گرفته بود با تجسس مجدد این منابع دریا فتند که افغانستان ثروت های عظیمی از قبیل نفت و گاز و مینرال های اعم از طلا، مس، سنگ آهن لیتیوم، توپاس و سنگ های قیمتی مثل لاجورد، زمرد، یاقوت و رادر خود دارد که ارزش این منابع عظیم را بیش از تریلیون دالر تخمین زده اند - که یکی از دلایل تجاوز امریکا بر افغانستان موجودیت همین منابع با ارزش می باشد آگاهان سیاسی و اقتصادی به این باوراند که اگر مسیر کوتاه بین افغانستان و امریکا وجود می داشت در آن صورت این منابع به سرعت استخراج و مواد آن به امریکا انتقال داده میشد اما از آنجاییکه این زمینه مساعد نیست، لذا امریکا میخواهد در افغانستان حضور دائمی داشته باشد تا این منابع را به تدریج به تصرف و کنترل خود درآورد.

*** افغانستان بعنوان کلید فتح آسیای میانه:** به گفته کارشناسان استراتژیک افغانستان از نظر استراتژیک مانند مرواریدی است که در درون یک صدف ننگه داشته شده است. گرچه ما در فوق از اهمیت وضع الجیشی یا جیو استراتژیکی افغانستان مفصلاً صحبت نمودیم ولی در اینجا لازم دیده میشود که به ارتباط موقعیت استراتژیکی افغانستان مجدداً کمی روشنی بیاندازیم. و آن اینکه ریچارد نیکسن در کتاب خود تحت عنوان فراسوی صلح میگوید « افغانستان اهمیت استراتژیک خود را بعنوان عامل سرنوشت ساز آسیای میانه از دست نداده است»؛ بریتانیا اهمیت این کشور را در قرن نوزدهم باز شناخت؛ چنانکه شوروی وقتی در سال (1979) به افغانستان حمله کرد نشان داد که از این اهمیت بخوبی آگاه است، امروز هم ما باید واقعیت این جیوپولیتیک را دریابیم کلید فتح آسیای میانه بدست کسی است که بر افغانستان سطیره داشته باشد بیجا نیست که حضور امریکا در افغانستان بدون اختلاف نظر بین جناح های حاکم در امریکا اعم از جمهوریخواهان و دموکرات ها همانا مسئله سلطه یا بی بر افغانستان است؛ چراکه مسئله سلطه گیری امریکا ضربه زدن به رقیبان میباشد، و اینرا نیز باید بخاطر سپرد که دو هفته قبل از آغاز حمله نظامی امریکا بر افغانستان؛ ریس جمهور کلنتون ریس سابق ایالات متحده امریکا در یک مصاحبه مطبوعاتی خود چنین اعلام کرد « در زمان ریاست جمهوری بودجه محرمانه ای برای حمله بر افغانستان تصویب شده بود؛ حتی برای این کار نیروهای ویژه آموزش دیده بودند، اما در آن زمان افکار عمومی در امریکا برای این حمله مناسب نبود لیکن اکنون افکار عمومی کاملاً مساعد شده است و امریکا نیز منتظر همین فرصت بود که بتواند زمانی « کلید فتح آسیای میانه » یعنی افغانستان را در دست خود گیرد.

* تجاوز امریکا بالای افغانستان بخاطر جلوگیری از پیشرفت سریع

چین در منطقه: دسترسی به جمهوری های آسیا میانه چنانکه نیکسن در کتاب مطبوع خود تذکر داده است چنین است و آن اینکه موقعیت سوق الجیشی افغانستان از آن جهت اهمیت دارد که در غرب «چین» قرار دارد و با ولایات سین کیا نگ و تبت «چین» هم مرز میا شد لذا تسلط بر افغانستان امریکا را قادر میسازد که از دو طرف «چین» را که بدون شک بزرگترین رقیب آینده او در جهان خواهد بود در میان گیرد.

پس یکی از دلایل تجاوز و حمله امریکا بر افغانستان را باید پیشرفت سریع و همه جانبه «چین» دانست لذا تجاوز امریکا بر افغانستان تحت بهانه ای سرنگونی طالبان و دستگیری و یا قتل «اسامه بن لادن» محضاً حضور دائمی امریکا در افغانستان و دسترسی آن به منابع انرژی در این منطقه و جلوگیری از پیشرفت «چین» و ایجاد موانع بر حریفان اش اعم از ایران و روسیه چیزی دیگری نمیتواند باشد.

* ایجاد پایگاه نظامی در افغانستان بخاطر نظارت بر ایران – روسیه – چین – پاکستان و هند وستان .



در حال حاضر 9 پایگاه مستحکم امریکا در افغانستان فعالیت دارند. این پایگاه ها برای استقرار نیروهای نظامی امریکا پس از خروج بخش عمده نیروهای ناتون در سال 2014 هستند. به عبارتی، بعد از سال «2014»، تعداد زیادی از نیروهای نظامی امریکا در این کشور به حضور خود ادامه خواهند داد.

در نظام سرمایه داری معمولاً مسولان مملکت کم و بیش صاحبان و یا سهامداران شرکت‌های سرمایه داری میباشند و این امر در امریکا بعنوان رهبری نظام سرمایه داری کاملاً آشکار است .

از همان روزهای اول که نیروهای نظامی ایالات متحده امریکا و ناتو در افغانستان بخاطر انقراض دولت طالبان بالای مردم افغانستان بمبارد مینمودند و به کشتار مردم بیگناه می پرداختند و ما همه روزه شاهد قتل عام هزارها هموطن خود بودیم که دولت پوشالی و سهامداران شرکت های غربی و جمعی از روشنفکران مزدور در مورد پایگاه های دایمی امریکا در خاک افغانستان سخن میزدند و عملی شدن آنرا با بیشرمی بی مانند میخواستند و آنرا دستاورد عظیم و راز خوشبختی مردم افغانستان وانمود میساختند .

حالآنکه دولت امریکا که تاریخچه ستمگرانه اش در جهان آشکار است هرگز برای نجات افغانستان از گرفتار هزار بلاها نیامده بلکه طی این شانزده سال گذشته کاری نداشته است جز تشدید فساد، فقر، قتل و قتال، حمایت بی دریغ از جنایتکاران رنگارنگ رشد تولید مواد مخدره، خنثی سازی، تطمیع و به فحشا کشاندن جوانان مستعد، از طریق پیشکش معاشات کلان، بورس ها و گرین کارت ها و گماشتن شماری وسیعی از نوع دست پروردگان «سی آی ای»، آنان بعنوان سخنگویان رییس جمهور و وزیران و غیره، اما

افغان ها هرگز اربابان خارجی را به عنوان حاکمان خود قبول نکرده اند و آنها هرگز به چنین ذلتی تن نخواهند داد. این است راز این که چرا مردم افغانستان چندین دهه است که با قدرت های خارجی در جنگ هستند .

از گذشته های دور، قدرت های سلطه گر تلاش های زیادی را به منظور تقویت اردوی نظامی خود در افغانستان و حضور دائم در این کشور به کار برده اند. این موضوع هنوز روشن نشده است که چرا با وجود این که امریکا و ناتو دارای پایگاههای نظامی به مراتب امن تر، کم هزینه تر و از نظر استراتژیکی بسیار مهمتر، در مناطق مختلف آسیا، از جمله ازبکستان، قرقیزستان و مغولستان دارد، اما باز هم افغانستان را مورد توجه قرار داده اند. واقعیت امر این است که امریکا می خواهد افغانستان را به عنوان یک پایگاه نظامی دائمی برای افزایش نفوذ خود در آسیای مرکزی و خاورمیانه استفاده کند و از گسترش نفوذ روسیه و چین در منطقه جلوگیری نماید. علت اشتیاق و علاقمندی امریکا به داشتن حضور نظامی دراز مدت در افغانستان، به ایجاد امنیت برای منافع دراز مدت و اشنگتن در منطقه بازمی گردد. علت حضور نظامی امریکا در افغانستان تنها به خاطر موضوعات تروریسم، مواد مخدر و برخی موارد دیگر که از مسائل کوتاه مدت می باشند، نیست، بلکه حضور نظامی امریکا دارای ابعاد استراتژیکی بوده و دراز مدت است. امریکا برای آینده نظامی گری خود، منطقه ای وسیع تر به تصویر کشیده است که از شمال آفریقا تا جنوب شرقی آسیا و آسیای مرکزی و جنوبی را در بر می گیرد .

برای آمریکایی ها دست یابی به هدف استراتژیک، موضوع اصلی است و در این میان

افغانستان، تنها بخشی از توسعه موزائیکی پایگاه های نظامی آمریکا در جهان است. آمریکایی ها پیش از این از پایگاه نظامی سابق خود واقع در خان آباد در ازبکستان و پایگاه نظامی مناسب واقع در حومه بیشکک پایتخت قرقیزستان، عملیات برابری نظامی وسیعی را انجام داده اند. بخاطر این که آن دو پایگاه برای بهره برداری عملیاتی دائمی نبوده و محتمل است که هر زمانی آمریکا مجبور شود پایگاه مناسب را نیز تخلیه کند.

اگر چه برای آمریکا بسیار مهم است که دارای پایگاه نظامی در نزدیکی مرزهای روسیه و چین باشد. عامل بسیار مهم دیگری که درورای افزایش حضور نظامی درازمدت آمریکا در افغانستان وجود دارد، جمهوری اسلامی ایران است. بنا براین دور از واقعیت نخواهد بود که اگر بگوییم افزایش حضور نظامی آمریکایی ها در افغانستان، نمی تواند صلح و ثبات برای این کشور زده فراهم سازد. بلکه هدف آمریکایی ها جلوگیری از نفوذ روز افزون چین و روسیه در جمهوری های آسیای مرکزی و زیر نظر داشتن جمهوری اسلامی ایران است. از سوی دیگر آمریکا با یستی این مطلب را درک کند که تا جایی که تاریخ نشان می دهد هیچ نیروی مهاجم خارجی تاکنون نتوانسته است در افغانستان حضور دائمی داشته باشد. هیچ گونه سرّ و رازنهفته ای وجود ندارد که چرا جریان امور در افغانستان بر خلاف میل و خواست آمریکایی ها و همپیمانان آنها حرکت نمی کند. واقعیت قضیه این است که وقتی مردم یک کشور علیه بیگانگان قیام می کنند، در آن صورت دیگر شناسی برای بیگانه باقی نمی ماند که به طور دائمی در آن سرزمین حضور داشته باشد. مطمئنا خاک افغانستان فشار پای نظام میان آمریکایی را برای همیشه تحمل نخواهد کرد. در حالیکه اوضاع در افغانستان رو به وخامت می گذارد، نتیجه گسترش جنگ در این کشور، ببار آوردن فاجعه برای نیروهای ناتو در افغانستان خواهد بود.

حضور نظامی طولانی مدت آمریکایی ها در افغانستان، قطعا دامنه جنگ را گسترده تر خواهد کرد و ویتنام دیگری را برای آمریکا، در اوایل قرن ۲۱ بوجود خواهد آورد. آمریکایی ها باید این مطلب ساده را درک کنند که پیروزی نظامی در جنگ افغانستان به سادگی امکان پذیر نیست.

افغان ها هرگز اربابان خارجی را به عنوان حاکمان خود قبول نکرده اند و آنها هرگز به چنین ذلتی تن نخواهند داد. این است راز این که چرا مردم افغانستان چندین دهه است که با قدرت های خارجی در جنگ هستند.

به هر حال تنها جایگزین راه های نظامی، استفاده از ابزارهای منطقی، گفتگو و مذاکره مستقیم با مخالفان داخلی و نیز مشارکت دادن قدرت های منطقه ای و همسایگان مانند ایران، پاکستان، ازبکستان، ترکمنستان، تاجیکستان و چین در حل بحران پیچیده افغانستان است. با در نظر داشت، منابع عظیم زیرزمینی، موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی این کشور، ایجاد پایگاه های نظامی آمریکا در افغانستان، در برپایی حاکمیت ملی، امنیت اجتماعی، توسعه اقتصادی، روابط بین المللی، صلح در منطقه و جهان تاثیر به شدت منفی دارد.

امریکا با حضور دراز مدت در افغانستان، تلاش دارد تا این کشور را از نظر اقتصادی وابسته سازد. آهنگ توسعه اقتصادی و عطش کنترل بر منابع و ذخایر زیر زمینی منطقه، آمریکا را به این منطقه کشانده است. کنترل منابع زیر زمینی، نظامی، سیاسی و اقتصادی اوراسیا را از اهداف مهم آمریکا در منطقه باید دانست. این پایگاه‌ها برآیند تا کشورهای که خطر بالقوه ای برای آمریکا به شمار می روند را نظارت کنند و در صورت لزوم توانایی‌های نظامی آمریکا را نیز نشان دهند. تاکنون به صورت عملی ثابت شده است که حضور آمریکا در هیچ کشوری به نفع کشور میزبان نبوده بلکه آمریکا به دنبال تأمین منافع و به اجرا گذشتن سیاست‌های خود بوده است.

در صورتی که منافع آمریکا با منافع کشور میزبان در تضاد واقع شود، آمریکا، همه منافع کشور میزبان را قربانی منافع نظامی، اقتصادی و سیاسی خود خواهد کرد.

پیا مدهای منفی حضور دراز مدت آمریکا در افغانستان را در چند نکته می توان چنین برشمرد: 1- ضعیف نگهداشتن نظام کشور به منظور وابستگی بیشتر به آمریکا و اعمال نفوذ بر دولتمردان. 2- قدرت گرفتن نیروهای محلی همدست با آمریکا به منظور زمینه سازی برای تجزیه افغانستان. 3- عدم توجه به قوانین افغانستان و به این ترتیب ایجاد یک دولت دست نشانده. 4- تشدید جنگ اطلاعاتی در منطقه. 5- غارت منابع طبیعی افغانستان و منطقه. 6- دادن انگیزه جنگ به مخالفان دولت برای مدتی نامعلوم.

* پروژه خط لوله گاز (TAPI):

آسیای مرکزی دارای منابع عظیم معدنی و طبیعی است که نفت و گاز از عمده‌ترین آنهاست و برای بخشی از نیازهای اقتصاد جهانی دارای نقش محوری است؛ افغانستان هم دارای منابع گازی است. آمریکا اگر بخواهد سیاست تک قطبی یا، به اصطلاح، نظم نوین جهانی را پیاده کند، باید بتواند این منابع عظیم را در دست خود داشته باشد.

آمریکا برای رسیدن به اهداف خود در افغانستان مرحله به مرحله پیش می‌رود و برای هر مرحله سیاست مشخصی را به پیش می‌برد: «در سال 1996 با سقوط دولت حزب اسلامی حکمتیار در کابل، نه تنها طالبان دولت اسلامی تند روئی را به کار گماشتند بلکه «سررشته اردوگاههای آموزشی را به دست جناحهای جمعیت‌العلمای اسلام سپردند».

جمعیت‌العلمای اسلامی با پشتیبانی جنبش وهابی سعودی در عضوگیری داوطلبان برای جنگیدن در حوزه بالکان و اتحاد شوروی پیشین نقش عمده‌ای را بازی می‌کرد»¹ در حقیقت سازمان (سیا CIA) افغانستان را به عنوان پادگان آموزشی پیشمرگان خود در سرزمینهای اسلامی تبدیل نموده بود. آمریکا برای نیل به این هدف مجبور بود دولتی را در افغانستان بر سر کار آورد که مجری چنین طرحی باشد «تحمیل يك دولت اسلامی افراطی با پشتیبانی سرویس اطلاعاتی پاکستان و شکل‌گیری طالبان رادیکال جوابگویی منافع ژئوپولیتیک آمریکا و هدف واقعی از کمک به طالبان در ارتباط مستقیم با نفت بود؛ و

به همین دلیل طالبان قبل از آنکه دولت خود را در کابل تشکیل دهند، گروهی را به «هوستون تگراس» اعزام کرد تا با شرکت یونوکال در جهت ایجاد شبکه لوله‌های گاز مذاکره کنند.² آمریکا می‌داند که با تسلط بر منابع نفت و گاز دنیا: اولاً سلطه نظام تک قطبی خود را بر جهان تضمین می‌کند؛ ثانیاً مانع شکل‌گیری قطب‌های جدید رقیب می‌شود و ثالثاً شریان اقتصادی منطقه و کشورهای دیگر را به دست می‌گیرد. «بنابر نظر بنیاد هریتیج (Heritage) درواشنگتن، که یک سازمان سیاست عمومی محافظه‌کار است، رابطه دیپلماتیک آمریکا با طالبان تا حدی تلاشی بود برای جلوگیری از ساخت یک خط لوله در مسیر ایران و کاهش نفوذ روسیه بر ترکمنستان و قزاقستان.»³ همان‌طور که امر خط لوله نفتی باکو جبهان به منظور مبارزه با روسیه و ایران انجام گرفت، آمریکا می‌خواهد مانع از عبور لوله‌های نفت و گاز از مسیر ایران شود، حتی اگر به بهای گزافی برای تولید کنندگان و مصرف کنندگان تمام شود. خط لوله نفتی به طول 1040 مایل از خاک افغانستان به پایانه صادراتی می‌رسید که در ساحل پاکستان بنا می‌شود. این خط لوله 42 اینچی روزانه گنجایش یک میلیون بشکه نفت را دارد. هزینه برآورد شده طرح، که به گستردگی خط لوله ماوراء آلاسکا می‌باشد، نزدیک به «2/5» میلیارد دلار است.⁴ در حقیقت، جنگ‌های جهانی و یا منطقه‌ای برای حفظ و یا گسترش منافع شرکت‌های سرمایه‌داری است. «یونوکال» غول نفتی در کالیفرنیا، با حمایت دولت کلینتن در سال 1995 طرحی را برای ساختن یک مسیر خط لوله نفت و گاز از ترکمنستان به افغانستان، پاکستان و به طرف دریای عرب تدارک دید. این کمپانی چند تن از افغان‌های مشهور را به استخدام خود درآورده بود و از مشورت‌های یک آمریکایی افغانی‌الاصل زلمای خلیل‌زاد نیز برخوردار بود.... فرستاده‌های یونیکال در این دیوارها اجازه یافتند دفترى در افغانستان باز نموده کار آموزش پرسنل فنی برای تمدید پایپ لاین را آغاز کنند.

کار ساخت و ساز پروژه خط لوله گاز TAPI: ماقبل‌درمورد این پروژه معلومات

چندی پیش‌کش نمودیم اینجا می‌خواهم در مورد مشخصات ای پروژه کمی مکث نمایم که این پروژه چه مشخصاتی دارد:

کار پروژه در حضور داشت رییس جمهور ترکمنستان آقای «قربانعلی برید محمدوف» رییس جمهور افغانستان «اشرف غنی» نخست وزیر پاکستان «نواز شریف» و معاون رییس جمهور هند «محمد حمید انصاری» آغاز شد. ترکمنستان در سطح جهان از نظر داشتن ذخایر گاز طبیعی چهارمین کشور است که اکنون مقادیر زیاد این گاز طبیعی را به چین صادر مینماید

* پروژه «تاپی=TAPI»: پروژه خط لوله گازی است که از دریای خزر، ترکمنستان از طریق افغانستان، پاکستان به هند انتقال داده میشود.

کشورها شامل این پروژه: عبارت اند از ترکمنستان، افغانستان، پاکستان و هند.(TAPI).

*فاصله یا مسافت: این خط لوله گاز آسیای مرکزی را با جنوب آسیا وصل می‌سازد

که طول آن « 1800 » کیلومتر میباشد .
ذخایر (Reserve): این خط لوله گاز از ذخیره گالکینیش (Galkynysh) ترکمنستان (نام رسمی آن بعنوان (Yoiotan Osman) شروع میشود که حجم این منبع از ذخایر گاز طبیعی بالغ به (16) تریلیون مکعب فوت (16 Trillion cubic feet) میباشد.
مصارف پروژه: برای ساخت این پروژه (10) میلیارد دالر امریکایی ضرورت است که توسط بانک توسعهی آسیا تامین میشود .
ظرفیت: این ظرفیت برای حمل «90» میلیون ستاندارد متر مکعب (mmscmd) در روز میباشد .

سهام کشورها از گاز: هند و پاکستان هر دو روزانه به حجم «38 mmscmd» و افغانستان به حجم «14 mmscmd» از گاز استفاده خواهند کرد .

دروره و یا زمان فعالیت این پروژه: این خط لوله گاز برای مدت «30» سال برای کشورهای نیازمند به گاز حیات خواهد داشت یعنی طول عمر این پروژه تا (2029) میباشد .

مسیر خط لوله گاز: از میدان گالکینیش ترکمنستان آغاز میگردد از ولایات هرات و کندهار (افغانستان) و از ملتان از طریق کویته «پاکستان» به فضلکا (Fazilka) در پنجاب هند میرسد .

امنیت پروژه: امنیت این پروژه توسط خود حکومت زیدخل یا (JSTF) تامین میشود یعنی توسط (inter government joint security task force) .

4- چه باید کرد: تا اینجا برای ما همه افغان ها معلوم شد که کشورهای بزرگ و همسایه ها در کشور ما چه منافع دارند و چرا ما را نمیگذارند که به حیث یک کشور مستقل و دارای حاکمیت ملی با داشتن تاریخ طولانی و تمامیت ارضی خود زندگی نمایم و خود ما سرنوشت خود ما را تعیین نمایم ؛ لذا با وجود این وضع ناگوار بر ما است تا قبل از همه مخالفت ها و بدبینی ها و انتقا مجوی ها و را کنار گذاشته نخبه ترین و دانشمند ترین و چیز فهم ترین اشخاص و افراد از تمام جناح های موجود اعم از: 1- نمایندگان جناح هی مخالف طالبان . 2- از جمعیت اسلامی . 3- از حزب دموکراتیک خلق افغانستان . 4- از حزب وحدت اسلامی و اتحاد نه گانه . 5- از افغان ملت . 6- از دموکراسی نوین . 7- نمایندگان احزاب از یک ها و ترکمن ها 8- از حزب اسلامی . 9- از حزب جنبش ملی اسلامی . 10- از سازمان زنان و جوانان و اتحادیه های کارگری و نویسندگان همه و همه در یک جبهه متحد ملی با داشتن یک مرام و یک هدف با حس و طندوستی بخاطر از بین بردن تمام نارسایی ها اعم از: مبارزه علیه بی سوادی ، فقر ، علیه تعصب قومی ، مذهبی و سمتی و زبانی و نژادی از یکطرف و از طرف دیگر ایجاد حسن اعتماد و حس وطندوستی ترویج تعلیم و تحصیل و ایجاد اشتغال .

شناخت و طرد تمام جواسیس (آی اس آی) ، (سی آی ای) و (ک جی بی) و جاسوس های ایران و عربستان و سایر کشورها ، تصفیه حساب با تمام جنایتکاران جنگی با دزدان

وغارتگران و نفاق افگنان وزن ستیزان و وغیره

2017-05-16 با تقدیم احترامات